

بسم الله الرحمن الرحيم

دروس في علم الاصول

لشهيء الصدر

الحلقة الثالثة

درس 51

استاء: حجت الاسلام و المسلمين علم الهدى

آموزشيار: آقاى شم آبادى

مقدمه:

در درس قبل گفته شد یکی از ارکان تحقق موضوع اصالة الظهور، یقین به عدم قرینه متصله است. و در صورت شک در وجود قرینه متصله در مورد منشأ این شک سه صورت تصور می شود.

در دو صورت آن، اصالة الظهور مستقیماً جاری است و در صورت سوم^۱ کلام مجمل می شود.

در این درس، صورت سوم به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته و علت مجمل شدن کلام بیان می شود.

بحث دیگری که مطرح می شود این است که آیا ارجاع یکی از دو اصل (اصل عدم القرینه و اصالة الظهور) به دیگری صحیح است یا خیر؟ در این بحث، نظری مرحوم شیخ انصاری (ره) و نیز نظری مرحوم آخوند (ره) مطرح شده و رد می شود. و در پایان قول صحیح بیان می گردد. در ادامه، جایگاه اجرای هر یک از این دو اصل بیان می شود.

همچنین در این درس بیان می شود که الفاظ دو نوع ظهور دارند:

1- ظهور ذاتی

2- ظهور موضوعی

و آنچه موضوع حجیت ظهور است، ظهور موضوعی است.

^۱ منشأ شک چیز دیگری غیر از احتمال غفلت شنونده و احتمال اسقاط قرینه از سوی گوینده می باشد.

متن درس

الصورة الثالثة: ان يكون الشك في وجودها غير ناشئ من احتمال الغفلة، و لا من ا لإسقاط المذكور فلا يمكن الرجوع إلى أصالة الظهور ابتداء للشك في موضوعها و هو الظهور التصديقي، و لا يمكن تنقيح موضوعها بإجراء أصالة عدم القرينة لأنه لا توجد حيثية كاشفة عقلائياً عن عدم القرينة المحتملة لكي يعتبرها العقلاء، و يبنون على أصالة عدم القرينة، و بهذا نعرف ان احتمال القرينة المتصلة في مثل هذه الحالة يوجب الإجمال .

و بما ذكرناه اتضح ان أصالة الظهور، و أصالة عدم القرينة كل منهما أصل عقلائي في مورده، فالأول يجرى في كل مورد أحرزنا فيه الظهور التصديقي وجداناً، أو بأصل عقلائي آخر، و الثاني يجرى في كل مورد شك فيه في القرينة المتصلة لاحتمال الغفلة، و لا يرجع أحد الأصلين إلى الآخر خلافاً للشيخ الأنصارى (رحمه الله) حيث ارجع أصالة الظهور، إلى أصالة عدم القرينة، و لصاحب الكفاية (رحمه الله) حيث ارجع أصالة عدم القرينة إلى أصالة الظهور.

الظهور الذاتى، و الظهور الموضوعى:

الظهور سواء كان تصورياً، أو تصديقاً تارة يراد به الظهور في ذهن إنسان معين و هذا هو الظهور الذاتى، و أخرى يراد به الظهور بموجب علاقات اللغة، و أساليب التعبير العام، و هذا هو الظهور الموضوعى.

و الأول يتأثر بالعوامل و الظروف الشخصية للذهن التى تختلف من فرد إلى آخر تبعاً إلى أنسه الذهني، و علاقاته بخلاف الثانى الذى له واقع محدد يتمثل فى كل ذهن يتحرك بموجب علاقات اللغة، و أساليب التعبير العام، و ما هو موضوع الحجية الظهور الموضوعى

یادآوری

بحث در این بود که اگر در مواجهه با یک روایت، در وجود قرینۀ متصله شک داشته باشیم، برای منشأ این شک، سه صورت تصور می شود:

صورت اول: احتمال غفلت شنونده، که این احتمال با اصل عدم غفلت نفی می شود.
صورت دوم: احتمال اسقاط قرینه از سوی گوینده، که این احتمال نیز به واسطۀ شهادت ضمنی گوینده نفی می شود.

صورت سوم: این است که منشأ شک، چیز دیگری باشد.

مثال:

فرض کنید در یک ارتباط تلفنی، هنگامی که متکلم سخن می گوید، قبل از این که سخنش تمام شود و مقام بیان به پایان برسد، ارتباط قطع شود و ما احتمال دهیم که او در ادامۀ سخن، قرائنی را گفته که به دست ما نرسیده است.

در این فرض، از شهادت ضمنی متکلم نمی توان استفاده کرد؛ چون نهایت امر این است که متکلم، شهادت می دهد من همه چیز را گفتام، در حالی که مشکل این است که ما نشنیده ایم. و از سوی دیگر، اصل عدم غفلت شنونده نیز جاری نیست؛ چون ارتباط، قطع شده و ربطی به غفلت شنونده ندارد.

بررسی صورت سوم:

در این صورت، کلام مجمل می شود و ظهور آن حجت نیست.

دلیل اجمال:

الف) عدم تحقق ظهور تصدیقی: یکی از علت های مجمل شدن کلام این است که نمی توان اصالة الظهور را مستقیماً جاری کرد؛ چرا که موضوع اصالة الظهور، ظهور تصدیقی است و هر جا که احتمال قرینۀ متصله وجود داشته باشد، ظهور تصدیقی محقق نمی شود؛ بنابراین اصالة الظهور، سالبه به انتفاء موضوع خواهد شد.

ب) عدم امکان نفی قرینه متصله با اصل: هیچ گاه نمی شود احتمال قرینۀ متصله را با اصل عقلایی همچون اصل عدم قرینه یا چیزی شبیه آن نفی کرد؛ چون در بین عقلا هیچ اصلی وجود ندارد که بتوان بر اساس آن، احتمال قرینۀ متصله را در صورت سوم نفی کرد. همان گونه که در درس های قبل گفته شد اجرای اصل عقلایی در هر موردی، منوط به این است که موضوع، یک حیثیت کاشفه ای از واقع (هر چند ظنی) داشته باشد و حال آن که در این صورت، هیچ چیزی نیست که در نظر نوع عقلا کاشف از عدم قرینۀ متصله باشد، و کشف کند که متکلم، قرینۀ متصله دیگری نیاورده است.

□ □ $\overline{500}$ ∪ ≡ ∪ ∩ ≡ □ ∪

یکی از مباحث مطرح در بین علمای اصول این است که آیا اصل عدم قرینه و اصالۃ الظهور یکی هستند ؟ و آیا یکی از اینها به دیگری بر می گردد یا خیر ؟

بررسی اقوال و توضیح قول صحیح:

جایگاه اجرای اصالة الظهور:

اصالة الظهور در دو مورد اجرا می شود:

- 1- ظهور تصدیقی را وجداناً احراز کنیم؛ یعنی به عدم قرینه متصله علم داشته باشیم.
- 2- ظهور تصدیقی را با اصل عقلایی دیگری مثل اصل عدم غفلت احراز کنیم.

جایگاه اجرای اصل عدم قرینه:

این اصل در موردی اجرا می شود که به دلیل احتمال غفلت شنونده در وجود قرینه متصله شک ایجاد شود.

پس قول مرحوم شیخ (ره) و قول مرحوم آخوند (ره) در این مسئله ناتمام است و این دو اصل یکی نیستند؛ بلکه اجرای اصل عدم قرینه بر اجرای اصالة الظهور مقدم است؛ چون اصل عدم قرینه، موضوع اصالة الظهور را محقق می کند.

□ □ 500 H ≡ U ≡ U ≡ U

ظهور ذاتی و ظهور موضوعی:

در درس های قبل، مباحث مختلفی در باره موضوع حجیت بیان شد. برای روشن شدن دقیق تر موضوع حجیت، توجه به این مسأله لازم است که ظهور بر دو قسم است:

1- ظهور ذاتی

2- ظهور موضوعی

ظهور ذاتی (شخصی یا خصوصی)

عبارت است از ظهوری که در ذهن یک انسان مشخص، در اثر انس ذهنی او (عوامل درونی) و تحت تأثیر عوامل محیطی و زیستی (عوامل بیرونی) ایجاد می شود.

هر کدام از ما در ذهن خود، با مجموعه ای از واقعیت ها و مفاهیم، مانوس هستیم و در یک محیط خاصی بوده و تحت تأثیر عوامل خاصی زندگی می کنیم. طبیعتاً این عوامل باعث می شود که ما از الفاظ و کلمات، ظهور خاصی را برداشت کنیم. به عنوان مثال کسانی که فکرشان منفی است فوراً از یک عبارت، برداشت منفی کرده و کسانی که در محیط مثبت بزرگ شده اند از یک سخن دیرتر برداشت منفی می کنند.

ظهور ذاتی - همانگونه که از تعریف روشن می شود - در افراد مختلف، متفاوت است.

ظهور موضوعی (علمی یا منطقی)

عبارت است از ظهوری که برای عموم اهل یک زبان در اثر وضع ها، سبکها، ضوابط و قواعد حاکم بر یک زبان حاصل می شود.

ظهور موضوعی - همانگونه که از تعریف روشن می شود - در بین تمام اهل یک زبان، مشترک بوده و یکسان است.

موضوع حجیت ظهور:

ظهوری که موضوع و مبنای حجیت ظهور است، ظهور موضوعی است که متغیر نبوده و در بین همه اهل یک زبان، مشترک است.

به تعبیر دیگر موضوع اصالة الظهور، ظهور موضوعی تصدیقی است و حجیت بر آن مترتب می شود.

Sco3: 25:30

چکیده

1. اگر منشأ شک در وجود قرینه متصله، احتمال غفلت شنونده و نیز احتمال اسقاط قرینه از سوی گوینده نباشد، اصالة الظهور جاری نیست و کلام مجمل می‌شود؛ چرا که از یک طرف، موضوع اصالة الظهور - که ظهور تصدیقی است - محقق نمی‌شود و از طرف دیگر نمی‌توان احتمال قرینه متصله را با اصل عدم قرینه نفی کرد؛ چون مناط کلی اجرای اصول عقلاویه در این جا وجود ندارد.
2. اقوال در مورد ارجاع یکی از دو اصل عدم قرینه و اصالة الظهور به دیگری: مرحوم شیخ انصاری (ره) اصالة الظهور را به اصل عدم قرینه ارجاع داده است. مرحوم آخوند (ره) اصل عدم قرینه را به اصالة الظهور ارجاع داده است. مرحوم شهید صدر (ره) می‌فرماید: هیچ یک از این دو اصل به دیگری بر نمی‌گردد و هر یک در مورد خاصی اجرا می‌شود.
3. اصالة الظهور در موردی اجرا می‌شود که ظهور تصدیقی را وجداناً یا با اصل عقلایی دیگری مثل اصل عدم غفلت احراز کنیم
4. اصل عدم قرینه در موردی اجرا می‌شود که به دلیل احتمال غفلت شنونده در وجود قرینه متصله شک ایجاد شود.
5. ظهور ذاتی عبارت است از ظهوری که در ذهن یک انسان مشخص، بر اثر انس ذهنی او و تحت تأثیر عوامل محیطی و زیستی ایجاد می‌شود.
6. ظهور موضوعی عبارت است از ظهوری که برای عموم اهل یک زبان، در اثر وضعها، سبکها، ضوابط و قواعد حاکم بر یک زبان حاصل می‌شود.
7. موضوع حجیت ظهور عبارت است از ظهور موضوعی تصدیقی.